



چرا در روابط اجتماعی حقوق متقابل رعایت نمی‌شود؟

داخل تاکسی نشسته‌اید و چند دقیقه دیگر هم به مقصد می‌رسید، اما به یکباره راننده فندکش را روشن می‌کند...

جام جم آنلاین: داخل تاکسی نشسته‌اید و چند دقیقه دیگر هم به مقصد می‌رسید، اما به یکباره راننده فندکش را روشن می‌کند و بدون این‌که از شما یا سایر مسافران اجازه بگیرد، به خودش اجازه می‌دهد داخل خودرو سیگار بکشد.

معمولا در این شرایط، چند احتمال پیش می‌آید که البته هیچ‌کدام از آنها نتیجه درخشانی در پی نخواهد داشت، زیرا اگر مسافران با راننده بحث و جدل کنند، یا از خودرو خارج شوند یا حتی راننده مجبور شود سیگارش را خاموش کند، در اصل قضیه تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

درواقع این‌که شهروندی به طور عمد تصمیم می‌گیرد حقوق شهروند دیگری را پایمال کند، از اتفاق‌هایی بعدی که پس از این ماجرا رخ می‌دهد، مهم‌تر است.

اما این مثال تنها گوشه‌ای از رعایت نکردن حقوق شهروندان در سطح شهر است که اگر کمی دقیق‌تر به اوضاع پیرامونمان نگاه کنیم، براحتی می‌بینیم کم نیستند افرادی که به خود اجازه می‌دهند برای نفع شخصی خود از حقوق دیگران بگذرند و اگر بخواهیم بی‌رو دربايستي به این مساله نگاه کنیم، حتی گاهی اوقات خود ما نیز ابایی نداریم که قواعد حقوق متقابل شهروندی را زیر پا بگذاریم.

من متفاوتم!

يك صف طولاني خرید را تصور کنید که همه منتظرند در آن مغازه خرید کنند، حال اگر در همین شرایط فردی پیدا شود که صف را به هم بزند و زودتر از بقیه خرید کند، در آن صورت چه حسی به شما دست می‌دهد؟

محسن عنایت، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «جام‌جم» می‌گوید: خیلی اوقات فکر می‌کنیم ویژه‌تر از بقیه هستیم و شرایط ما شبیه بقیه نیست و به همین دلیل به خود اجازه می‌دهیم گاهی حقوق فردی دیگر را پایمال کنیم. در صورتی که می‌دانیم تک‌تک شهروندان در اعتلای سطح جامعه نقش مستقیم دارند و این که خود را تافته‌ای جدا بافته از دیگران بدانیم، اشتباه است.

وي مي‌افزايد: مثلا در صف بانك‌ها مي‌بينيد كه خيلي‌ها تلاش مي‌كنند به هر طريقي كه شده زودتر از بقيه كارشان راه بيفتند، مثلا در همان صف احتمال دارد يك پزشك فكر كند زمانش مهم‌تر از يك خانم خانه‌دار است و درواقع مي‌خواهم بگويم همین حس كاذب خاص بودن، گاهی اوقات به عاملی تبدیل می‌شود که ما را به حذف حقوق دیگران ترغیب می‌کند.

منافع مشترك برايمان گنگ است

شرکتی را در نظر بگیرید که کارکنانش همه مسئولند تا يك طرح صنعتی را به سرانجام برسانند، حال اگر در این شرکت، منافع مشترك براي همه کارکنان تعريف شده باشد، يك کارگر و کارمند این شرکت براحتی درمی‌یابد که با حس تعاون و رعایت حقوق متقابل همکاری می‌تواند گامی در جهت منافع مشترك شرکت بردارد.

عنایت خاطر نشان می‌کند: مطمئن باشید رعایت حقوق متقابل شهروندان با تعريف منافع مشترك در ارتباط است، یعنی اگر فردی با هر جایگاه شغلی و شهروندی، معنی منافع مشترك را دریابد در آن صورت کمتر فردی پیدا خواهد شد که حقوق متقابل را رعایت نکند، اما اگر برای کارمندی، تعريف منافع مشترك مبهم و گنگ باشد در آن شرایط شك نکنید که روحیه خودخواهی و تک‌محوری در آن سازمان نیز افزایش خواهد یافت.

نکته: سنگ بنای توسعه در هر کشوری با سطح مشارکت نیروی انسانی آن جامعه رابطه مستقیم دارد، اما اگر این روحیه همکاری با تضییع حقوق متقابل افراد خدشه دار شود، دیگر نمی‌توان امیدي به پیشرفت‌های پایدار اجتماعی و اقتصادی آن جامعه داشت

وي توضیح مي‌دهد: مثلا اگر کارمندی به این نکته واقف باشد که با درست انجام دادن وظیفه‌اش، بخشی از مشکلات محل کارش حل خواهد شد و در نتیجه جایگاه سازمانش ارتقا می‌یابد و به طور طبیعی، دستمزدهای او هم افزایش خواهد یافت، در آن شرایط دیگر دلیلی نمی‌بیند حقوق همکار خود را پایمال کند، زیرا همکار او هم دقیقا در جهت منافع سازمان و اعضایش فعالیت می‌کند.

این جامعه‌شناس با اشاره به رابطه پیشرفت و رعایت حقوق متقابل، عنوان می‌کند: در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته مثل ژاپن، گسترش روحیه همکاری سازنده بین افراد موجب شده که آنها به حقوق متقابل یکدیگر احترام بگذارند و در حقیقت آنها می‌دانند در صورتی که به حقوق افراد و منافع گروه احترام بگذارند، به طور مستقیم به منافع خود احترام گذاشته‌اند.

آموزش ندیده‌ایم

شاید توقع زیاده‌خواهانه‌ای باشد که انتظار داشته باشیم فردی که به حقوق سایر اعضای خانواده احترام نمی‌گذارد، برای حقوق متقابل شهروندان ارزشی قائل شود.

عنایت بر این باور است که آموزش رعایت حقوق متقابل به افراد باید از همان سنین کودکی به فرد آموزش داده شود. این پژوهشگر مسائل اجتماعی با بیان این‌که در بسیاری از خانواده‌های ایرانی، حتی والدین و فرزندان هم به حقوق متقابل یکدیگر شناخت ندارند، می‌گوید: البته این مساله تنها متوجه کودکان نیست و والدین هم در این زمینه کم‌تقصیر نیستند. مثلا برای پدر و مادرها جاافتاده است که مهمترین حقی که بر گردن فرزندشان دارند، احترام است و اگر از کودکان هم بپرسید می‌گویند درس خواندن فرزندان، مهمترین حقی است که پدر و مادر دارند.

عنایت خاطر نشان می‌کند: گرچه احترام به والدین و درس خواندن فرزندان بسیار مهم است، اما باید در کانون خانواده‌ها این نکته نهادینه شود که حقوق متقابل بین اعضای خانواده در درک متقابل خلاصه می‌شود، یعنی اگر به خانواده‌ها آموزش می‌دادیم که چگونه والدین و فرزندان همدیگر را درک کنند، مطمئن باشید همه اعضای خانواده به حقوق یکدیگر احترام می‌گذاشتند.

وي ادامه می‌دهد: در شرایطی هم که فرزندی آموزش ببیند دغدغه‌های اعضای خانواده را درک کند و مشکل آنها را مشکل خودش بداند، در آن صورت شك نکنید این کودک در آینده هم دغدغه‌های جامعه را راحت‌تر درک می‌کند و به حقوق متقابل شهروندان احترام خواهد گذاشت.

سیستم جزا و پاداش ما ضعیف است

شاید برای شما هم بارها اتفاق افتاده باشد که فردی حقوق شما را زیر پا گذاشته است، اما بعد از مدتی قضیه را فراموش کرده‌اید و پیگیر قضیه نبوده‌اید.

عنایت معتقد است همین حس انفعال در برابر پایمال شدن حقوقمان، ناخودآگاه تعداد افرادی را که حقوقمان را تزییع می‌کنند، افزایش می‌دهد.

وي می‌گوید: به طور قطع این سیستم درستی نیست که بخواهیم پس از هر تزییع حقی از سیستم قهری و خشونت استفاده کنیم و در بسیاری اوقات مذاکره و گفت‌وگو جواب می‌دهد، اما اگر بخواهیم در برابر افرادی که مدام از روابط اجتماعی سوءاستفاده می‌کنند و حقوق متقابل افراد را ضایع می‌کنند، کوتاه بیاییم در آن صورت خودمان با دست خودمان بستری برای افزایش شمار این گونه افراد در جامعه مهیا کرده‌ایم.

این پژوهشگر مسائل اجتماعی با اشاره به این‌که سکوت در برابر تزییع حقوق به گسترش این فرآیند دامن می‌زند، تاکید می‌کند: سنگ بنای توسعه در هر کشوری با سطح مشارکت و همکاری نیروی انسانی آن جامعه رابطه مستقیم دارد، اما اگر این روحیه همکاری با تزییع حقوق متقابل افراد خدشه دار شود، در نتیجه نباید دیگر آمیدی به پیشرفت‌های پایدار اجتماعی و حتی اقتصادی آن جامعه داشت و به همین دلیل مهم است که سیستم قضایی کشور باید در پرونده‌هایی با سطح بالای تزییع حقوق افراد، نقش پررنگی ایفا کند تا پایمال شدن حقوق شهروندان به رویه‌ای عادی در جامعه تبدیل نشود.

امین جلالوند / گروه جامعه